

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تکم شماره ۴ ربال

۲شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۳۳

سال اول - شماره ۲

## رویه مثبت

زنده‌ی بر افتخار داشتن، از مزایای آزادی استفاده کردن و در عداد ملل بزرگ جهان بشمار رفتن به سهولت امکان پذیر نیست.

در خانه نشستن و هیپازار آمدن، راه رفتن و بهانات لغش دادن در دهانها دوا نمیکند.

پایه کوشش کرد، شب و روز زحمت کشید تا جوان پسر از سالیان دراز بیوفیت هائی نایل آمد. گذشت آن موتی که نکر میکرد، اثر کار هم نکنم خدا روزی را میرساند از اصول دنیا باین حرفها بخشد. برد با کسی است که باشه درست، سیاست درست، کار درست انجام میدهد.

اگر وضع ما بد است، اگر فسادانی با مقدرات ما بازی میکنند و اگر گروهی ما را بست اشغال سون میدهند خود مفریم، زیرا میگویم و عمل نداریم.

سوه ظن حیبی بر ما حکم فرماید. همه چیز را با تریه بد تلقی میکنیم و در هر برخوردی میگویم: سنا زیرا این کاسه هم کاسه است. شاید هم تاحدی حق داشته باشیم.

ولی ای کاش سعی میکردیم قدری بنظر خوش بینی بیشتری باوضاع و احوال می نگریستیم، بیکدیگر اعتماد بیشتری میدادیم. این سوه ظن، این عدم اعتماد ما را از یکدیگر دور میسازد در صورتیکه حال دیگر وقت دوری وجدانی است. تنها در سایه وحدت در سایه صداقت و صمیمیت است که میتوان بهترین لذت و سرسبزین پیشرفت را نصیب داشت.

در این محیط که همه از نژاد آن مینالیم عناصر پاک، بی آلابش و صیبی میتوان یافت. ببران دستکار، با حققت و با ایمان، جوانان پر شور - با پر لیب و وطن پرست بسیارند، بگردیم، تجسس کنیم، از گروه و کنار، دور از این اجتناع و سرکه، آنها را خواهیم یافت اکثر از اجتناع دوری میکنند، ماتم زده در کنار نقشه صحت بازی و برای استفاده جوانان خالی گذارده اند. ایان که سلاح چاپلوسی و تعلق مجرب نیشوند، ایان که از راه استفاده نامفروض آبه خود و تا مین نکرده اند از مبارزه با نا باکان عاجزند زیرا این گروه طوری بهم بیوستگی دارند که قدرتی فوق العاده و جدیدی خستکی ناپذیر لازم است تا در هم شکست هوند. بگوئیم و این قدرت را ایجاد کنیم.

بگوئیم و این نیکان را نیاییم. آنان را بجامه معرفی کنیم سعی ناییم بهم نزدیک شولد تا شاید جبهه های در مقابل بنساکران تشکیل گردد.

برای نجات کشور از این و در طه خطرناک و برای جلوگیری از این هرج و مرج، کشور محتاج فداکاری افسراد صالح است. باید عناصر پاک و وطن پرست بر راس امور باشند: کارها در دست گیرند و اصلاحات اساسی را شروع کنند اگر حده قلیلی از این اشخاص هم اکنون بر سر کارند باید تقویت گردند.

مبارزه با شیادان و با آنها نیکم مقدرات ما را باز بیه خود قرار داده اند تنها از راه ناسوا کتن و تقبیح کردن نتیجه نبرسد

## از کجا باید

### شروع با اصلاح کرد...

که در فکرمط و استقلال کشور خود هستند صاحبان دینه میشوند که در زانده پشه و هاساختن گریبان هم بمیان خود از چنگال بدبختی هستند هوس جاه و جلال چشم اینها را کور و کوش هان را کور نکرده است فلسفه غلط و مسموم برای نسل بقصد پایه مرتکب هر گوت جنبانی شده را قبول نکرده اند و از جاده حقیقت گامی فرا نهاده اند غلامه درد دارند و در هوای نه درد وزارت و وکالت اینها کسای هستند که از اوضاع آفتک این کشور تنها مناز می شوند و از بدبختی های هم میبمانند خود رنج میبرند اینگونه اشخاص قیاد در صحنه

در گوشه و کنار این کشور منهدم و در زوایای تاریک این محیط که سر تا پای آن را فساد و ذوات کثرت است در میان اکثریت فاسد هنوز آدمردانی پیدا میشوند

زیرا آنها بقدری پوست کلفتند که بقول معروف «باین چیزها از رو نبروند» بهیچ قیمت حاضر نیستند از رویه خود منحرف شوند از مقام و سوه استفاده های خود صرف نظر کنند و این عمل انفرادی ما آهن سره کوفتن است یعنی مبارزه تک تک ساسلی نخواهد داشت. باید راهی انتخاب نمود که اجتناعی بوجود آید، اجتناعی که افراد آن مردمان صالح باشند.

اکنون در تهران و در اغلب شهرهای دیگر سازمانهای حزبی بوجود آمده هوما هدفهای اصلاحی دارند ولی تاکنون هیچگونه موفقیت های شایانی نایل نیامده اند زیرا افراد ناصالح و منفعت پرست در هر یک از این احزاب بصورت های حق بیجانی رخنه کرده و بیشتر وقت اعطای موثر حزب به مبارزه با این افراد و اختلالات داخلی که ایجاد کرده اند معروف میگردد. پس می بینیم حزب هم با کیفیت نسبی از انجام تعهدات خود یعنی اجرای برنامه خود عاجز است.

بهرجا مینگریم آفتکی است، بپر جا بیرویم خرابی است، مستشار می آوریم خرابتر است.

اداره تشکیل میدهم کار بچرخد، منحل میکنیم مردم سرگردان میشوند، دست نیز بیدتر است.

حسیت بوجود می آوریم اینها بر - حرارت است - چندی که میگذرد بیرون ایجاد میشود، متزلزل میگردد، متفرق میشود. چرا؟

برای اینکه در هر کجایست هم اندازان جالومی آید، برای استفاده شود، مقامی کاری را که لاین اداره کرده نش هستند

صاحب میکنند و برای تثبیت مقام خود از هر اقدام مفید جلوگیری نمینانند. و بدین ترتیب نه تنها دستگاه اداری ما دچار اختلال میگردد بلکه بی نظمی و هرج و مرج در تمام عئون اجتناعی ما حکم فرما میشود.

در این کشور بقدر کفایت مرد کار آزموده داریم ولی جریان اوضاع مسلکته آنان را فلج ندوده، اکثر بکارهای غیر از آنچه هایت آنان است خود را مسئول داشته وقتی تلف میکنند و اسرار معامی مینمایند.

در صورتیکه همین اگر بکار های مفیدی انتخب هوند و از وجودشان استفاده هود از این هرج و مرج کاسته خواهد شد.

گاهی وقت خود را صرف معرفی و سوا ساختن انگل های مفرجامه میکنیم ولی هیچگاه بفرگشتنا پندن و تشویق نیکان نسیمم اگر استنادا کسی را هم خوب معرفی کنیم خصوصیات ما را با بکار وادار میکنند.

بگوئیم رویه مثبتی پیش گیریم، آنکه را صالح و مفید تشخیص میدهم و لکای برداشتنش نی بینم با نهایت بدبختی بیجاده بشناسانیم و سر کنیم آن قدر که میتوانیم از او پشتیبانی ناییم.

# در مجلس شورایی ملی

## نطق آقای دکتر مصدق

در جلسه روز سه شنبه گذشته، بنا به تئزلز کابینه آقای دکتر مصدق نماینده تهران نطق مفعلی ایراد نموده گفتند:

دولت را ساقط کرده اینک دوس برده با کسانی بود که هوم که جرت نکنیم فلنا اسی از آنها ببریم و با کشکشی های که از حیثت و وزن مجلس میکند ایجاد بحران نمایم و یک وضعیتی پیش نیاید که ثابت مقدرات مملکت در این وقت بیله دست ناهایستای سپرده شود. آقایان هنوز یکسال نشده است که فشار افکار عمومی هنگام افتتاح این مجلس بگردد منفوری را رسوا و از زمامداری برکنار نمود و حتی رفقای او جرت نکردند از او دفاع کنند و بجای اینکه او را بکنیز امعانش برسانند و امروز در کوفه زندان زبنت کند باز مجال مهندک که باز بفکر زمامداری بیفتد و آخرین چوبه حراج را بزنده آقایان اگر تمام گناهان سوبلی را فراموش کنیم یکی از گناهان اوقابل اغماض نیست و آن لطمه ایست که بحیثت این مجلس زده است متأسفانه انتخابات اولین مجلس دوره دوم کراسی بدست این شخص صورت گرفت و در این مجلس همه متناهیسی هستند که در ادوار سابق و حتی قبل از دیکتاتوری هم بوده اند و در این مجلس هستند کسانی که در محل های خود صاحب نفوذند و با هر وضعیتی ممکن است انتخاب شوند ولی سبیلی در انتخابات طوری عمل کرد و دست بوسائل تکنیکی زد و دخالت های نمود و حتی بوسجبت تلگرافاتی که مفاهره کرده و کافلهین از انتشار آنها در این مجلس حرم کرده اند و من هم حرم دارم برای بیشرتت مقاصد خود نام بیگانگان را بسپان آورده و خلاصه طوری عمل کرده است که متأسفانه باین مجلس بکه رنگی زده که اعتبار آن را متزلزل نموده و نتیجه این شده است که هر تعبسی امروز این مجلس اتخاذ کند در خارج سمبیراتی میفود و آن را بکه تعبسی روی مصلحت ایران تلقی میکنند بلکه موجب سوء ظن میشود و طرف ذبئغ آنرا تحریک و تلقین حرب خود میبندارد اگر در انتخابات مجلس چهاردهم این دخالت های بیوه نشده بود و مجلس ما این شهرت را نداشت امروز این زمره های خطرناک که وحدت و تمامیت کشور را تهدید میکنند از اکتشاف مملکت شنبه نمی شد.

چند روز است وضعیت دولت بیکفندی در مجلس خوب نیست بنده هم در فرا کسیون هایی که در جمعیت های مجلس است وارد نیستم و اطلاعی چندان ندارم این است که میخواهم عرض کنم که ما امروز باید تکلیف دولت را معلوم کنیم بجهت اینکه روح دولت که میاید به مجلس وقتیکه دولت در مجلس وضعیت خوب نباشد - لواحق خوب بیکفرد علاوه در روزنامه ها هم مینویسند که وضعیت دولت خوب نیست این است که باید وضعیت دولت معلوم بشود و این وضعیت و اینکه در خارج منکس بشود برای امنیت مملکت خوب است باید تکلیف دولت معلوم شود یعنی اگر دولت خوبست باید مطمئن باشد و کار بکنند و اگر هم بد است استی دلال بدش گفته شود و برود اگر کسی هم هست که میخواهد قائم مقام دولت بشود او هم باید منمزمود و ما هم بسنجیم و ببینیم که آن کسیکه میاید تم البدل است یا بس البدل روی این زمینه بنده بکه نظریاتی دارم که عرض میروم:

آقایان توجه برداشته که مطبوعات مهم خارجه نامه دستپر گزاردن واضح بنا چه مینویسند:

ایران را از نظر سیاست بین المللی بسیار گان به منلنه حساس میباشد که برای صلح دنیا حاضر کمال اهمیت است و امروز بدست این روزنامه بخوبی برمیاید که بر اثر اتحاد سیاسی که بین هدایگان ما به شده نسبت با ایران بین خود توافق منلی حاصل کرده اند و درین حال بنهان میکنند که اگر یکی از طرفین صومبیتی بدولت ما بکنند و مداخله در ایجاد داشته باشد موجب حسادت طرف دیگر و اسباب زحمت خار معبود و حتی سر بعا احترام مینماید که میل دارند هیچ با ایران کاری نداشته باشند لیکن میگویند واتی میتوانند که هیچ با ایران کاری نداشته باشند که ایران بتواند بر سر پای خود بایسته نهایت مدعی هستند که این منلی نطق با کک مشترک آنها ممکن است صورت بگیرد

آقایان محترم باین کلمات که نقل کردم عرسه دقت بفرمائید ما چگونه میتوانیم بهسایگان خود بهسایم که روی پای خود می ایستیم آنها غیر از این چاره ای داریم که دولتی روی کار بیاید که به تمام منلی ابرائی و بیطرف باشد و نسبت بهسایگان بیله چشم نگاه کند و از هر هلی که ایجاد حسادت و تقار بین آنها بکنند جدا بد - برهیزد و دولتی باشد که در سیاست خارجی صداقت و امانت را شمار و سرمایه منوی خود قرار دهد و رویه مجلس هم طوری باشد که بکه چنین دولتی بتواند بیفاه خود اطمینان نیاید و باو مجال دهند که مملکت را از آفتنگی در آورد محتاج بشوضیح نیست که دولت

های ناگواری که در اینجا حدک به صلاح گویندگان بود و نه صلاح مملکت یکی دو بار دیگر تکرار شود برای این مجلس چیزی باقی نماند و یک چنین مجلسی قادر نخواهد بود زمام مملکت را در دست نگاه دارد تا بیخ این مملکت ام مجلس چهاردهم را همیشه برشتی باز خود برد

اگر به رسمیم که این تشج ما دیگر پیش نیاید باید هگی اهم از آنها ای که منتسب بیک دستجاتی هستند پامفرد مانده اند برلی اتخاذ سیاست عمومی مجلس بکه اصولی بین خود قبول کند و بآن ملتزم شوند و از آن تجاوز نشایند و از همه مهم تر رویه ایست که مجلس در انتخاب حکومت و پشتیبان آن و بیا ساقط کردن بکه حکومتی باید اتخاذ کند

باید معلوم شود چرا بکه حکومتی در مجلس بر آورد و بیا اوزرا کنز میگذارد؟ باید معلوم شود نعت و زبری که مجلس سلب اعتماد از او میکند چه کرده است اگر گناه کرده همه بداند و دیگر او را بکار دعوت نشایند یعنی محل بشود سکه دوباره خطاکاران روی کار بیایند مثلا باید معلوم شود که حکومت فعلی چه کرده کار های او خوب بوده است یا بد

آنها ای که ناراضی هستند علت عدم رضایتشان چیست؟ اگر بد کرده را باید ساقط شود بکنه بیم گی را بجای او خواهیم آورد و آن کسی که ما بیا در ایمل است یا بس البدل اگر ایمن حترت و رمانند قرار ندهیم و ب روی نظریات رت بلان شامی که غالباً با مصالح عمومی رفتن می دهد کار کنیم بچیرقت نخواهیم توانست بکه حکومت بدو ام و خنده تکراری داشته باشیم من بدولت فعلی نظر بسا منی که اختیار کرده بودم برای داده ام ولی البته موافقت من با این دولت کور کورانه نیست مادام که امعالش مورد تصدیق من است در موافقت باقی و الا بیغالبین ملحق خواهیم شد از سیاست عمومی که تاکنون این کابینه تشج کرده عدم رضایت ندارم مخصوصاً از این که بوعده خود وفا نمود و اختیارات ایران بر بانه ده دکتر میلجو را الفاء کرده و بخدمت این مرز و ک وجودش در این مملکت متعین معز مالی و سیاسی هر دو بود خانه داد امثال دارم ولی نسبت بیضی انتخابات که اجباراً و با اختیار از این دولت شده خوش بین نیستم و اگر جبران نکنند نمی توانم در موافقت باقی با نام اما عرض کنیم که این حکومت بد کار کرده و باید برود بدی های او را باید گفت که همه بنهسته و به بکه شخص بهتری را در نظر گرفت و

چند روز است وضعیت دولت بیکفندی در مجلس خوب نیست بنده هم در فرا کسیون هایی که در جمعیت های مجلس است وارد نیستم و اطلاعی چندان ندارم این است که میخواهم عرض کنم که ما امروز باید تکلیف دولت را معلوم کنیم بجهت اینکه روح دولت که میاید به مجلس وقتیکه دولت در مجلس وضعیت خوب نباشد - لواحق خوب بیکفرد علاوه در روزنامه ها هم مینویسند که وضعیت دولت خوب نیست این است که باید وضعیت دولت معلوم بشود و این وضعیت و اینکه در خارج منکس بشود برای امنیت مملکت خوب است باید تکلیف دولت معلوم شود یعنی اگر دولت خوبست باید مطمئن باشد و کار بکنند و اگر هم بد است استی دلال بدش گفته شود و برود اگر کسی هم هست که میخواهد قائم مقام دولت بشود او هم باید منمزمود و ما هم بسنجیم و ببینیم که آن کسیکه میاید تم البدل است یا بس البدل روی این زمینه بنده بکه نظریاتی دارم که عرض میروم:

امروز میخواهم بکه مسئله اساسی در مجلس طرح کنم که در آینده این کشور حاضر کمال اهمیت است و از این هرابش مانند هیئت نظری غیر از منافع حیاتی مملکت ندارم و در این ایام تاریخی هیچ چیز غیر مملکت معرک من نشده و وضع متعجب مجلس که بنظر من عواقب خوبی ندارد بر من الزام میکند که حقایی را عرض نمایم مجلس شورای ملی که مطابق قانون اساسی باید مظهر حاکمیت ملی باشد اگر بناسست مقدرات این مملکت را در دست داشته باشد و در این دریای متلاطم کشتی ما را بساحل نجات رساند باید قیانه خود را تغییر دهد و منشی خود را عوض نماید اگر قدری بخود بیایم و متوجه بشویم که مادر روزهای زندگی میکنیم که بیسوابان ملل بزرگ دور هم جمع میشوند و تصمیمات بزرگی میگیرند و نقشه دنیا را میکنند و اگر درست تصور کنیم که ایران امروز در سیاست بین المللی چه موقعیتی احراز کرده و بیا کترین غفلت ممکن است دچار مذلّت و به بختی هود ناچاریم که احترام کنیم امروز باید کاری بکنیم که مجلس مورد احترام باشد و وزن داشته باشد بکه سیاست و رویه ثابت و روشنی انصاف کند تا بتواند از بکطرف افکار مشوش مردم را تسکین دهد و از طرف دیگر با تضایب مهم بین المللی که در پیش است با موافقت مواجه شود

# دور مجلس شورای ملی

## نطق آقای دکتر مصدق

پایه اول صفحه ۲

خوب وقتی دوام نکنه موقن بیج اصلاحی نیاد و ما برای این دیدیم که یکی از حل موقلیت دیکتاتور در بعضی امور داخلی میان دوام دولت بود که وقتی دستور میداد راهی میژنه یا میژنه نامه قاپیس گننه مرتبه پنجر که از آن راه عبور میکرد و یکارخانه مهرت اگر دستور کاملاً اجرا نشده بود متصدیان امور را پیدترین طوبیت گرفتار میکرد.

آن وزیری که دستور کاری بدهد و یک هفته بعد دچار رای عدم اعتماد مجلس شد بطور جرمت گنه که شروع پاملاعات نماید بنای نائس و اگر خراب گننه وقت لازم است که بنای کاملی جای آن بگذارد و اگر فرصت ندهند وجود نائس به از عدم است.

خلاصه اینکه اگر صادقانه نشان نصیب که میفرمایم روی پای خود بایسیم سیاست جهانی حسابگان بهامجال نخواهد داد که با کاپینه بازی وقت سلکت را تلف نائیم ما محتاج یک سیاست ثابت ملی هستیم و اگر مجلس شود را لایق اداره چنین سیاستی نشان ندهد در اساس این سلکت تغییرات پیش می آید که باید از دوره دیکتاتورن و رژیم تر باشد.

خوب است بعضی از آقایان تابلان و روابط شخصی را فراموش و متغیر نمایند که مسکن است چنین سیاستی که مجری محکم و با ایمان میفرماید از یک مردی ساخته باشد که لبراز طرف نفس و بی-علاقگی و عدم امانت احتمالی نهاده است.

آیا با دور کردن اینگونه عناصر ما نباید از بد نامی مجلس که از جریان انتصابات دامن گیر او شده است بکامیم و مجلس را مورد اعتماد داخل و خارج نائیم.

آیا سزاوار است که امروز یک ادبایی بکنیم که مجلس آینده هم دچار همین بدنامی ها و رنگها بشود و زمین را برای حوادث و تغییرات خطرناک فراهم نائیم؟ بنده من خوب است کسایکه نایبندگی در مجلس را برای خود واجب هرده و تهیه مقدمات آن را هم واجب دانسته و حاضر شده اند که بدست سبیلی انتخاب شوند خود را بکار بندند و بمصالح

حوزه انتفاعی خود خدمت گننه و در قلوب اهالی مقامی تصمیمی گننه که در دوره ۱۵ تقنینیه نایبندگی خفنی ملت باشند و بتوانند سلکت خدمت نایبندگی از آنچه عرض میکنم اگر غفلت گننه بخود اجازه میدهم که در غیر خواهی آنان تردید نایم زیرا مسکن است کسانی بخوانند سلکت خدمت گننه و برای انجام مقصود بوسیله نامشروعی متوسل شوند ولی وقتیکه مقصود حاصل شد اگر آن رویه را تکرار گننه باید در وطن خواهی آنان تردید کرد و کیل باید مرکز انکاء خود را ملت قرار دهد آن کسی که بدست سبیلی ها انتخاب شود بطور غیر مستقیم مرکز انکاء دیگر دارد که بیچوت نخواهد توانست به خدمت سلکت

موقن شود چون که هیچ مرکز انکائی رایگنن و بلاخوش با کسی مساعدت نیکند مگر اینکه بقیست استقلال سلکت تمام شود . من یکبار روز ۹ آبان ۱۳۰۵ بجاس پنجم اعلام خطر کردم اگر مجلس سستی نکرده بودم تنها سلکت گرفتار دیکتاتور نیفد و امروز دچار عکس العمل آن و این بریشانی نبودیم هر ارضی هم که امروز میکنم از قبیل همان اعلام خطر ها است اگر رویه خود را تغییر ندهیم آمده ما بسیار تاریک خواهد بود چرا باید که ماهیچه در بین افراط و تفریط زندگی نائیم چرا باید که سر وقت ما روزی دیکتاتوری موش و روزی عکس السلماهی از آن موش تر باشد!

یک روز دیکتاتوری هر گونه روابط ایرانی را با مامورین خارجی قطع کرده بود که موجب کدورت و کینه آنان شده بود امروز عکس العمل آن این شده است که اغلب سفارتخانهها رو آورده و رسوائی میکنند.

یکروز دیکتاتوری آزادی را بکلی از مطبوعات سلب کرده بود امروز عکس العمل آن این است که بعضی از جراید از آزادی سوء استفاده کرده حتی بر خلاف مصالح سلکت قلمفرسائی میکنند!

یکروز و کلای مجلس طوری مطیع شده بودند که از هر کدام مرضی سسته سلب مصوبیت میشدند امروزه هر امری که آن ایست که کیسیون و اسکسری مجلس وزیران مختلس و سرش را تیره مینماید!

اگر ما از گذشته عبرت نگیریم روزگار بصورت ما سبیلی خواهد زد و اگر این نشئت و تشنج در مجلس ادامه پیدا کنه و مجلس خود را زود جمع نکند خطر بزرگی منتظر ماست و اگر ماهبورت این مجلس را اصلاح نکنیم دیگر احوال نیست بروخات اوضاع میژانیم امروز روزی نیست که ما غفلت کنیم و تحت تأثیر احساسات دوستی و رفاهت برویم .

ماجرای چوبانیکه بعد از شهریور ۱۳۲۰ از روزگار آشفته استفاده کرده و بقیست حیات این سلکت مقامات بزرگ دولتی را برای خود خریدند باید با آنچه اندوخته اند سازند و دست از گریبان این سلکت بردارند خوب است دیگر احساسه خواندن خجالت بکنند و با اعلامیه سران سه کشور غرض نکنند همان وضیعت جغرافیائی که موجب اشتهال ایران از طرف توانی یگانه شد و ما را وادار در صوف ملل متفق قرار داد ، همان وضیعت جغرافیائی موجب صدور آن اعلامیه گردید تازه اگر مقامی آن اعلامیه وضیعتی است که ما امروز داریم نبدانم برای چه چیز باید بخود بیاییم ما امروز محتاج یکله زمانمداری هستیم که مورد احترام مردم باشد و او را به صداقت و امانت بشناسند نه آن کسیک ما سفینه نداشتن اعتماد بنس در مقابل هر تقاضائی تسلیم فرود آورده .

آقایان محترم در یک روز گاریکه از ما توقع دارند روی پای خود بایستیم تا دست از سر ما بردارند و وقتیکه ما دورین خارجه بکاخ وزارت خارجه ما میروند و با یک مردی مواجه میشوند که بیرون دو پنجره آنجا هم قناعت نکرد هرگز برای دولت ما احترامی قائل نی هوند.

تجرب اجاست که این آقایان خود را در سیاست خارجی متحصص معرفی میکنند اگر اینها سیاست ایران ملاقه داشتند بر اثر ضعف نفس و حجب مقام جمعی از ایرانیان را تسلیم اجانب و دستخوش بدترین رفتار ها می نمودند و ناله کسان و بستگان آنها دوسپیلی و امثالش کترین اثر میکرد و برای اجابت عیوضان علائق از خود نشان میدادند اگر بخوش ایرانی در بدن اینها بود هرگز تحمل نیکردند که دیگران هر چه میخواهند بکنند و حسابی در کار نیافند.

اگر سبیلی سیاست بلند بود رضی نیشه که به یک مستخدم یگانه اختیارات بی نظیری بدهد که هر چه میخواهد بکنند و این سلکت را دچار وضیعتی بکنند که امروز مشاهده مینائیم و مرمت و خرابیهای او چند سال وقت میخواهد . چگونه مسکن است این تجابع را فراموش گننه و چگونه میفود که مجلس با تجدید انضاب اینگونه عناصری علاقه بزرگ مردم این سلکت نیک بیاید!

آقایان نایبندگان شما در این مجلس قسم یاد کرده اید که بر خلاف مصالح سلکت کاری نکلید . در اینصورت باید توجه نائید که امروز سیاست سلکت بدست بهترین افساس میرده و خود هر کس که کوچکترین هکی در باره او هست بر کنار باند و امروز روزیست که ما نباید کترین سوهظن برای حسابگان خود فراهم نائیم.

در جلسه سوم سفته که پیشنهاد مهم تلیل مدت خدمت نظام وظایف بیگسال در مجلس طرح و قابل توجه شد آقای وزیر جنگ حضور داشت تجب میکنم که یک کلام نکند و نظری اظهار ننود و صورتی که در یک چنین موضوع مهمی وزیر جنگ باید قبل از اینکه مجلس رأی بدهد عقیده خود را اظهار کند.

اگر مدت فعلی نظام وظایف زیاد است چرا قبل از اینکه یکی از آن ها را توجه آن بشود وزیر جنگ پیشنهاد نکرده و هر مردم به این سبب تلف میشود و اگر ما بدهد فعلی اوتش احتیاج نداریم چرا بین حشایر اسامه توزیع میفود .

# جریان واقعه مهاباد

# از کجا باید شروع و عیال اصلاح کرد؟

از شهر یور ۱۳۲۰ یمنه که هالونه کارها از هم کپیخته شد دولت های وقت شرکت مطمین و تلفظین مطی را در اداره امور حوزه خود لازم دانستند. در هر شهرستان بنا به نوعیت از همکاری آنان استفاده نمودند. در کرمانشاه آقای امیرکل در سنجج آقای آصف نماینده مجلس، در سفر آقای مطبر، سلسله اولان و در مهاباد آقای محمد قاسی و در اهواز رؤسای عشایر مأمور برقراری نظم و امنیت این مناطق گردیدند و هر کدام به هم خود در مأموریتی کبر همه داشته اند آنچه لازم جدیت بود بفرج دادند.

پسدها که دولت موفق شد ادارات از هم پاشیده را جمع آوری نماید و تفکیکات خود را سر و صورتی دهد کم مأمورین روسی همه دار امور شدند ولی مسزلیت برقراری امنیت در شهر مهاباد هم چنان به عهده روسای عشایر سپرده شد.

تا اواخر سال ۱۳۲۲ این مأموریت به قریب آقای امیرالمشایر، هدایت آقای رئیس منگور، علی خان نوروزی بایر آفامنگور و بایزید آفامغریزی رئیس ایل گوردک و اگدار شده بود در این موقع آقای دکتر مرزبان استانه در رضایه چنین صلاح دانست که در نظر دیگر امیر اسد ابراهیم آفامنگور را نیز شریکیت دهد و باین کیفیت امنیت در مهاباد برقرار بود.

بر اثر گذارش هائی که چند ماه پیش مأمورین نظامی داده بودند و منجر بسفارت آقای فیهی گشت آقای محمد قاسی و همه ای از همان روسای عشایر که مأمور حفظ نظامات شهر مهاباد بودند بطهران احضار شدند و در هنگام توقف آنان در مرکز بود که واقعه اخیر مهاباد پیش آمد کرد.

از چندی قبل در مهاباد کشف شده بود که حسین فروهر معروف به حسین زرگری رئیس جیره بندی اداره خوار بازار آباد توزیع کوبین باستاد ششمانه های معمول سوء استفاده های فوق العاده نموده است جریان امر مورد توجه ادارات مرکزی تبریز و واقع شده از طرف فرمانده لشکر و اداره خوار بازار هیئتی برای رسیدگی اعزام شده برونه تشکیل گشت و دفاتر توقیف و تحویل شهر بانی گردید.

حسین فروهر با استفاده از اجاضار و روسای عشایر بطهران موقع رفتن شهر رده ابتداءه نفراتو کرمصلح استفاده نموده سپس بیانی در حدود چهار هزار تومان به عزیز خان نامی که گویا شریک او هم در عمل تقلب در کوبین عا بوده میدهد تا مقدمه انقلابی فراهم آورده بتواند شهر بانی را غارت کرده اسناد کشف تقلب خود را از میان ببرد.

در حالیکه مهاباد در نهایت امنیت بوده این دو نفر مسئول تهیه مقدمات کار خود میگردند پس از اینکه وسایل اجرائی شده خود را فراهم مینمایند بفته روز ۲۶ بهین ماه عده ای از اشخاص متفرقه و لنگرد را جمع نموده به شهر بانی حمله مینمایند این عمل به پیشوائی شخص حسین فروهر انجام میگردد و دو غور دین با سپاهان ها و این عده در میگردد شهر بانی غارت میشود. مدارک سوء استفاده از کوبین ها از میان میبرد پنج نفر با سپاهان و سه نفر اشخاص متفرقه دیگر کشته میشوند. عمل بقدری سریع و غیر مترقبه بوده که فرصت جلوگیری را نیبدهد. خیر این اقدام به عده ای از روسای عشایر دگمان همان اشخاص که بطهران احضار شده بودند و تصادفاً برای کار های فقهی به مهاباد آمده بودند میرسد. ایشان بدون درنگ بکنک مأمورین دولتی شناخته و در حسینی که فروهر و دست او باش میخواستند بفرمانداری و سایر ادارات حمله کنند سر میبرند و بزحمتی این عده را متفرق میسازند و مجدداً امنیت را برقرار مینمایند.

خبر این واقعه بجهت اینکه بطران میرسد از طرف دولت آقای محمد قاسی مأمور میشود که فوراً به مهاباد حرکت نموده تا از وقوع نظار این قضیه جاو گیری کند و نیز اقدامات دیگری شروع میشود که سایر مسیجون هندستان حسین فروهر و عزیز خان که مغبغیاه با آنها همکاری کرده اند تبیین و دستگیر شوند.

طبق آخرین خبر فعلاً امنیت کامل در مهاباد برقرار میباشد. وقوع چنین حادثه ناگواری که ناشی از نفهم پرستی تن چند بوده هموم اگر ادرا متأثر ساخته انتظار دارند از طرف دولت اقدامات

بقیه از صفحه ۱

وقتی از جزئیات تا کلیات شتون اجتماعی ما را مورد مطالعه قرار داده و غیر از قسان و بدبختی چیزی نی بینته و در زبانشان در بر غورد یکدیگر. اینست که اصلاحات را باید از کجا شروع کرد. و اینست که اصلاحات را باید از کجا شروع کرد. و اینست که اصلاحات را باید از کجا شروع کرد.

عده که رو به افراطی دارند و از مشاهدات فساد پنهان آمده و تمام تن مریش را پوشیده از زخم و جراحات برآز چرخ و خون می بینند بیشتر زدن را خوبتر میکنند و خون گسرتن از این مریش و بر افراطین بیرون انقلاب را آخرین دوا و چاره منحصر بفرد میدانند.

این طبقه میگویند در کشور بیکه کار و کالت به تجارت کشیده و سناپنده اش با اعمال نفوذ و تلگرافات معرمانه و با خراج کردن وجوه نامشروع کرسی نماینده گری را اشغال کرده و هست و نیست کشور را میخواهد بچوب حراج بونه و صد هزار برابر آنچه که خرج کرده بپنک بیارد باوزیری که برای نیل ب مقام وزارت از ارتکاب هیچ جنایتی مرو گذار نکرده و بعضی رسول بقصد میفرماید تمام آمال و آرزوها را خود و افراد خانواده کثیف خویش را بر آورده نماید در کشور بیکه کار و شاور نشا بجای رسیده که دیگر فکر درستی و باکی و خنده متکذری و امنی جو موهرمان شده و حکم سیرخ و گسی را پیدا کرده است و کیل حریف آتی زنده مگر برای افراض

خصوصی و ذیر قلم برای طرف مگر برای مقاصد شخصی نویسنده عصر طلایی قلم بر این دارد مگر برای تبرئه و تطهیر بر سهیلی کار این مملکت دیگر از اصلاح گذشته و باید انقلاب کرد و عهد خون گرفت ولی ما باین عقیده موافق نیستیم زیرا اطمینان داریم که با وضع فعلی انقلاب هم که یکی از مقدس ترین و منزه ترین احساسات ملی است مثل سایر چیزها که دست این ملت افتاد و شورش را در آورده از آن هم نتیجه نخواهد گرفت انقلاب نشسته میخواهد تفکیکات میخواهد غرض و هدف میخواهد آنچه غرض و هدف مقدس و الا با وضع فعلی طبقات عالی و دالی هر یک خود را بجائی مامنی میکنند و با کترین و علاقه مندترین طبقات بکشور که در عین حال زحمتکش

مجاهدانی مثل آید که مسیجون و معرکین و آتیه بیکه مغبغیاه این اشخاص را تشویق نموده اند کشف شود و هر یک بطراخور تقصیر به اشد مجازات برسند تا دیگر نظیر این گونه اتفاقات رخ ندادد جامه گرد پیبوده تنگین نشود.

ترین و بیچاره ترین طبقات هم هستند یعنی طبقه متوسط آماج هدف تیرهای امراض شده و از بین میروند و جای خود را با سایر اباک تسلیم مینمایند و نتیجه برعکس فرقته میشود.

طبقه دیگر از مصلحین و علاقه مندان بکشور انقلاب را یعنی تحول و تغییر وضع دانسته و مخالف انقلاب یعنی معطلن در حرف عام مینمایند و خواهان انقلاب ممتوی هستند این طبقه سرچشمه اصلاحات و احیاء از آشنا ساختن مردم با انتخابات آزاد و حقیقی و انتخاب نمایندگان غذاکار و مبین پرست و اعزام آنها ب مجلس میدانند و عقیده دارند چنین نمایندگان هواره در فکر آسایش و رفاه اصلاح وضع افراد ملت بوده و ملت و کشور خود را بطرف سناست و نیکبختی سوق خواهد داد چون در فکر استفاده مادی و مسائلات نخ و قماش نیست و در صد آن نیست که برادر یا بر عمودا بوزارت و اورچ همی را معاونت و مدیریت کل تحصیل نماید اشخاصی معصوم کار میشوند که هم شایستگی دارند و هم علاقه ب خدمتگذاری و چون رؤسا و مافوق ها از روی لباقت و شایستگی شافل مقام شدند بر بار تحلیلات اشخاص منفعت پرست و متفکر ترفته و آنها هم بنوبه خود اشخاصی را بکار خواهند گماشت که لباقت و مومانات و شخصیت دارند و کارها روی اساس لباقت دوستی و پاکی و خدمت گذاری خواهد چرخید.

عده دیگر هم معتقدند که اساس اصلاحات کشور روی پایه اصلاح اوضاع دادگستری قرار گرفته است این طبقه میگویند منظور از تمام تشکیلات مدنی و مقصد از افزایش موضوعه و طبیعی حفظ مال و جان و ناموس افراد ملت است در صورت نبودن دادگستری تأمین مالی و امنی برای هیچکس تصور نیست و کشور وضع بازار آخته را بخود میگیرد و امید هر گونه اصلاح سلب میگردد وقتی دادرس و دادستان قوی در پشت میزهای عدالت قرار گرفتند دیگر کارمندان دارائی جرئت اشتغال نمی کنند وقتی که دادستان و بازرس می خود را حاضر برای خدمت گذاری نموده دیگر مأمورین ترهاکی شهر بانی و امنی قادر بیرونه سازی برای اشخاص میکنند نباشد و مأمورین مفرض و بیطرفه و زادت کشور جرئت تمویض صندوق راه و تحویل کثیف ترین عنصر را بنام نماینده به این ملت بیچاره نمی نمایند و اوضاع کشور بدبختان نیبگرد که اکنون گرفتار آن هستیم فعلاً در این مقاله بگذرد و مطالب اکتفا کرده و نظریات خود را در آینه بتفصیل خواهیم نوشت.

بقلم آقای محمد مردوخ (آب تاشه کوهستانی)

۲

# کرد و کردستان

جمهوری علم انساب و نژادشناسی نژاد سفید را بدو قسم کرده اند (آری) و (سامی) سامیها که آنها را - سامیت نیز گویند چندفرقه اند از اینترود اهراب ، پیور ، آشورویها ، کله انبیا ، هالی بابل ، سگه هام و آرامیها - فامانیتیا یعنی سگه - سواحل شرقی دریای مفرط (مدرترانه) که طرابلس کنونی مرکز آن ناحیه است در توره آلا نژادحام شمرده شده اند. یعنی باقیبلیها ، و بربرها ، و حبشها و سودان هیزاد میباشند.

ولی علمای علم انساب آنها را از نژاد سام میدانند. اما قاعده باید که سیاه پوستان آنها از اولادحام باشند و سفید پوستان از اولاد سام. بنا بر این اختلاف مرتفع است - خط سیر و تفرق سامیها بطوریکه در توره و اکثر تواریخ مصرح است از قبیل آدرات ، بیابل و از بابل بجناب فلسطین است و این قسمت موضوع بحث مانیست باینجه از ذکر آن صرف نظر میشود - فاما خط سیر و تفرق آدیها از اینترود است که از علامه و آذر تاویخی روشن شده است که از ادیبا یعنی سه گروه هندوها ، اروپاییها و ایرانیان ( که از کرد و پارس تشکیل میشوند) در چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح هم در یک جا بوده اند و بطور مشابری و بیابان گردی زندگی کرده اند.

بعضی میگویند در آسیای مرکزی بوده اند. بعضی دیگر میگویند در سواحل شمالی دریای بالئیک بوده اند (سواحل جنوبی اسکندری ناری)

بعضی دیگر میگویند در سواحل جنوبی دریای بالئیک بوده اند ( شمال روسیه اروپا) که در نتیجه یک حوادثی که هنوز چگونگی آن کشف نشده است ناچار از تفرق و مهاجرت شده اند و قران و آتلز تاریخی خط این تفرق را اینطور نشان میدهد که قسمتی بدو پنجاب سرازیر شده اند که نژاد هندوها از این دست اند

قسمت دیگر بطرف یونان و روم مقدونیه رفته اند و در آنجاها پراکنده شده اند - قسمت سوم بجناب باغتر حرکت کرده اند این قسمت باختری دولت شده اند بیکدمت از خط مرو و خراسان بطرف مازندران و سواحل دریای خزر و منطقه آذربایجان و لرستان و اردمشان و اماکن کردستان امروزی و محالیمی رهسپار شده اند و تا نواحی شامات و سوریه و سواحل دریای مفرط پراکنده شده اند. طوایف باختریها و چرکسها و ارمنها و آذرباره و آلبانی و مادها از این دست اند مادها که آنها را مادایان نیز گویند میارند از طوایف کرد ، تور و خزر و کیل و دلم - دست دیگر از این قسمت رو به

## یک فزول کردی

از «نالی»

زلت بخت داکه پریشان و بلاوه  
ایرولنی هیئت آلاوزو بداهه .  
مانی نیقی قونی تصویر بروی تو  
ام قوسه بدستی متنفس تکشاهه .  
هرچیکه رهو کیکی که واسور و سوریه  
چی چوشی گریالی عتو خونیه رزاوه .  
یومی تکریم صد کرتم دل دهشکینی  
بوسی نرزی شوهه بید لاهه شکاوه .  
سوزی دله باغنی تاوی کله گریان  
مملوه که آکر سیمی چوشی آوه .  
هرچند که روتن بختا مایلی روتن  
بی برگیه علت که هتیر میلی عتاهه .  
نالی و کوزلت که مطیسی بری بریته  
تیکسی مشکینه و بختا منیره لاهه

## والانتین

ترجمه مادام ژرژ ساندر با نو ظفر دهنه اردلان

### کتابی است خوالدنی

نیمه قبل از انتشار ۳۵ رهازل

به آدرس شیراز بانو ظفر دهنه اردلان بپناه را

بخرشید و یک نسخه از آن را پیش خرید کنید .

غلبه لشکر مصر بر لشکر روم شده است

از سوابق تاریخی کرد کاملاً روشن میشود که کردها همیشه شجاع و سلحشور بوده اند. و همه جا با (پارس) چه در ارضاع سیاسی و چه در مذهب هم در هم آمیخته و هم در دهرم آواز بوده اند یعنی در شادی و شویون باهم اشتراک داشته اند. و جزو لاینفک همدیگر محسوب بوده اند.

هر وقت که کرد دهنتر ۹۶۹ پارس تابع او بوده ( حکومت گوتی ، کاسی ، گیلان ، بیزانس ) و هر زمان هم که پارس اقتدار پیدا کرده کرد مطیع او بوده است .

( حکومت پیشه نای ، هخامنشی و ساسانی ) و غیره .... و هر موقع هم که از همدیگر منگ شده اند یعنی یکدیگر را استیلا نموده اند .  
استیلا نموده بار هردو سعی کرده اند که دوباره بهم اتصال پیدا کنند ( دوره تسلط کله ، آشور ، هاتنه )

همچنان در قبول مذهب هم کرد و پارس باهم توأم بوده اند چنانکه آئین زردشت و هورمز پرستی را با هم پذیرفته اند . در جنگ با اسلام هم اول کردها در نواحی مهر زور و پاوه پیشقدم بوده اند سپس در قبول اسلام هم کرد و پارس باهم مسلمان شده اند . در کتب عهد حقیق هم همه جا (ماد و پارس) توأم ذکر شده اند .

( کتاب استیر . فصل اول . ۹۲۰ - ۱۹۱۸۳ ) ( و کتاب دانیال فصل هشتم . ۹۲ - ۱۵۱۲۲۸ ) ( فصل هشتم . ۲۰ - ) ( و کتاب اشعیا فصل بیست و یکم ۹۲ - ) و غیر آن که کله ایران اخیراً در قرن پنجم قبل از میلاد بجای (ماد و پارس) استعمال شده است . دکتر فریج در کتاب ( کردلر ) مینویسد - ( جشن کردی ) که هر ساله کردها در ۳۱ اگستوس بناسیت تجلات ایران از دست ضحاک ظالم ( بیوراسب ) جشن میگیرند ، و آن جشن را ( جشن دماوند ) هم میخوانند دلیل وحدت و همدردی کرد با پارس است صاحب ( مروج الذهب ) این جشن را ( جشن مهر جان ) مینویسد که بالنتیجه جشن کردی و جشن مهر جان و جشن دماوند هر سه یکی است و دلیل وحدت و صمیمیت کرد و پارس است

یکه سواره حمله بر سراز روم برده او را کشته است و همین حرکت دلیرانه سبب

علم آلاء دکتر علی امیرحکمت

# مالاریا

## آقای مدیر محترم نامه کوهستان

چون از بنده خواسته بودید در اطراف بسیاری مالاریا چیزی بنویسم که مورد استفاده عموم بخصوص خوانندگان مناطق مختلف غرب باشد که متأسفانه آن صفحات هم از شر این بیماری مانند بسیاری از نقاط دیگر کشور مصون نیستند. برای اینکه شاید تا اندازه ای این منظور تأمین گردد اطاعت کرده بنوشتن این مسطور که روی کلیات است مبادرت ورزید. البته در خلال این کلیات مطالبی هست که ممکن است مورد استفاده مردم روغن - فکر نقاط مالاریا غیر واقع خودتانسی از دانه اینلا اهاه آن جلوگیری نماید و الا اصولاً مبارزه با بسیاری های کشور بخصوص مالاریا که تقریباً دو ثلث از بهترین نقاط کشور ما را تحت استیلا قرار داده از وظایف اساسی دولت و وزارت بهداشت است که متأسفانه هنوز چنین وزارتی بوجود نیامده و اگر گاهی میرفته که خروج پول خود در اثر تغییرات متوالی که در ژنما داران امور اجتناب بیشتر آمده بلا حقیقه مانده است.

برای اینکه بسطت این موضوع اساسی مورد بحث ما می برده شود از زبان های غیر قابل جبران این فغان توجه حاصل کرده لازم است بلاخص موضوع را از لحاظ تاریخی مورد بحث قرار داد. اگر چه در این مورد در سال ۱۳۱۴ بنا بر تماشای وزارت کشاورزی و بیعه و هنر به سلسله کنفرانسهای مردانشکته های کشاورزی و دامپزشکی داده که در مجلات کشاورزی آن زمان چاپ و منتشر گردید. خوشوقت آن کنفرانس هامورد توجه معائنات ملی و بهداشتی خودی و ییکانه قرار گرفته و استنساخ شده و در این زمینه اماراتی از طرف پزشکان و غیره مکرراً در جراید و مجلات داخلی دیده شده همینطور مجله صبح ملی افغانستان آنرا عیناً نقل و در چندین شماره منتشر ساخت ولی باز هم در این باب هر چه بیشتر گفت و نوشته خود چنانچه پوره است تا اذهان و افکار عموم متوجه و روشن شود.

## تاریخ مالاریا و افوار

### مختلفه اشاعه آن در دنیا -

آنچه مسلم است مالاریا از بسیاری قدیمی است و تا آنجا که تاریخ نشان میدهد این بیماری درین بعضی اقوام بطور شایع و در چین، رشی، اسی، بطور خفیف بروز کرده و سرسواسی ازیرندیم هزاره سالم و معور از ترش این بیماری مانده و برعکس بعضی از نواحی هیچگاه دور از ابتلا نبوده. از مجموع

تخصصات تاریخی بنظر آمده که در پنج یا هفت قرن قبل از میلاد مالاریا در اروپا وجود داشته و این مسئله نیز بطریق پیوسته که منشأ سرایت از افریقا بوده و اولین محل مورد حمله این بیماری در اروپا «ساردنی» بوده که قبلاً بسیار آباد و به ازاهاه این بیماری تدریجاً رو به خرابی رفته تا جایکه در اثر ائتلاف نفوس و هجرت اهالی خالی از سکنه گردید. فقط در حوالی نقاط کوهستانی آن که موقع مناسب برای تعیم گلاری پشه بوده قابل زیست مانده. به از ساردنی یونان قدیم تحت استیلا این بیماری قرار گرفت و این ملت معروف تدریجاً در اثر این ابتلا و با انحطاط و تنزل رفت و بعداً روم قدیم نیز دچار شیوع بسیاری شد و اسناد قابل اعتناء تاریخی نشان میدهد که یکی از علل اغراض امپراطوری عظیم روم این بیماری بوده همینطور در سیسیل و مقدونیه و بسیاری از نقاط جزیره بالکان و برتقال و در آسیا هندوستان و ایران و آسیای صغیر همیشه این بیماری با خاطرهای پر محنت و زجر دهنده دوره های کم و بیش و سخت خود را ادامه داده است فقط چیزی که برای ما سایه تامل میباید این است که کلیه ملل نامبرده شده کم و بیش در این راه قدمهای مؤثر برداشته و در نتیجه بعضی از آنها امروز یکسلی از قیسه استیلا عالی یافته اند و بعضی به نسبت قابل ملاحظه مصونیت فراهم کرده اند بجز ما که هنوز در خم های کورچه ایم که بودیم.

البته در طی قرون متصادی وضعیت ملل و اقوام مختلفه همانطوریکه از لحاظ ترقی و تمالی یا تنزل و استیلا قومی بر قوم دیگر و افراش سلسله ای از سلاطین و انهدام اوضاع اجتماعی دچار تغییرات و تحولاتی گشته اند ملی بسیاری و شدت یا ضف آن و حدود و ابتلا مردم نیز در تغییر بوده و درجه اشاعه و انتشار بیماری تابع تغییرات جوی و تبدلات ارضی و آبهای با خرابی محیط شده و نیز فقر و مسکنت، عدم نظافت، خرابی دهانه، ناساعده بودن زندگی عمومی عوامل مناسب برای شیوع بیماری میباشد. همینطور زیاده بازندگی در مناطی که جنگلهای وسیع در مجاورت دارد، طنجان رودخانهها، توقف آبهای زائده در اثر وجود موانع در مسیر آبها که جریان طبیعی داشته موجب فراهم کردن موقعیت مناسب برای ازدیاد بیماری است. بهینجهت در بسیاری از نقاط در طی قرون اختلافاتی مشاهده شده ملی که در قرون مسوم و ساکنین بساد و شروانه داشته در موشی دیگر بسیاری بطوری اشاعه یافته که مردم فراری و

متواری گردیده و محل خالی از سکنه و تبدیل بورانه گفته یا بالکسی چنانچه منطقه ای که موشی آباد بوده و برانه و بلا در اثر تغییراتی مجدداً آباد و موقع دیگر برای بار دیگر مفروبه گردیده است مثلاً یونانی که در تاریخ ازل برده و سرآمد ایران بوده چهار انحطاط گردید و امروز بار دیگر این بیماری دوباره وجود ندارد و مسکن است رو بترلی برود. وجوه آتاری از چشمه های مقدس برای قرباییهای جهت خوش آینه اسکولاب رب النوع طب و آتیا مقامده میوه مربوط بدوره است که این ملت عظیم دچار فلاکت و بدبختی از دست بیماری مالاریا شده بودند بالاخره باید گفت که این بیماری بواسطه خرابی ها و بدبختی ها که در قرون متخلف بنقاط مختلفه دنیا برای مردم فراهم نبوده خیلی مشهور و جنبه تاریخی غیر قابل فراموشی برای بشر پیدا کرده است.

برای اینکه بطور فهرسه اطلالی از چگونگی سیر این بیماری در دنیا از قدیم تا بحال در خاطر ما بیانه بهتر این است که نام نقاطی که تا کنون از این بیماری اثری بروز نکرده ذکر کنیم و الا اگر بخواهیم مسائل و مللی که در مواردی دچار این پلایه شده باشند نام ببریم باید تقریباً نسبت اعظم دنیا قدیم جدید و احساب آورد. نقاطی که در تاریخ گذشته وحال آنها را مضمون از تهرض مالاریا نشان داده اند عبارتند از:

- فواروپا: سوئیس، انگلستان، ایرلند، نروژ، آکس
- در آمریکا: کالیفرنیا، فلان، اوروگو
- در آسیا: سبیری، ازبک و قسمت شمالی چین
- در افریقا: مصر، کپ، وایت و جیب
- در اقیانوسیه: استرالی، تاسمانی و زلانده جدید.

در این مسائل نیز نمیتوان گفت که مسکن نیست هیچوقت مالاریا پدید آید بلکه چون مدتی که هوا و آب مساعد برای تکثیر پشه است طولانی میشود لذا نسل پشه در آن نواحی زیاد نشود و موجبات انتقال و انتشار بیماری فراهم نمی شود.

یکی از نقاط معروفی که در اروپا تا این اواخر دچار استیلا مالاریا بوده ایتالی است و بسیاری از نقاط آن بخصوص در نواحی اطراف رم مانند آکرو رویا و به بدترین صورتی در آمده بود. این معالی که روزی آبادترین قسمت ایتالی و تفریحگاه بابها بوده یکی خالی از سکنه و عبور از آن نواحی از نظر عموم بینانک شده بود ولی در این ربع قرن با احکام کابین با تلانها و آباد کردن اراضی و بنا کشت و زرع و فرس اعمار مجدداً قابل زیست و مسوم گردیده است.

امروز کفو ما نیز که از قدیم ایلام سلکت کشاورزی و حاصلخیز بوده بایچه صورت در آمده که فقر سکت و نپس دینی و بیچارگی در آن صومیت باعث و اولین قدم اساسی که باید در راه اصلاح آن برداشت موضوع مبارزه با بیابریهای گوناگون است که در درجه اول مالاریا و به ترتیب سب - بیابریهای آمیزه - بیابریهای طفولی و واگیدی و اختیاب به تریاک و ابتلا به الکل که به بدترین طرز تهیه و به اجودترین وضعی مصرف می شود میباشد. باید در مقابل این پلایه عظیم نه تنها جدال کرد بلکه باید جهاد نمود تا از بدبختی ها، تکبته ها و رهایی یافت تا از دیاد نفوس میسر شود تا افراد ندرسته بوجود آید تا در مبارزه حیاتی و تنازع بقا کامیاب و توفیق حاصل آید و الا تمام آرزوهای مختلف (ترقی کشاورزی و ازدهاد ثروت - توسعه فرهنگ و بالا رفتن سطح علمی و فکری - پیشرفت صنایع و حرک) همه و همه فتن بر آب است.

حال امیدوار است بتدریج یک یک از این مسائل را مورد بحث قرار دهید تا هم اولیای امور توجه حاصل فرمایند و در فکر فراهم کردن موجبات نیل بقصود بافته وهم عامه کم و بیش درک سقایی از زمینه امور بهداشتی بناید و بکار بندد. لفا در هشامهای آینه از چگونگی مالاریا حامل مسب و ناقل بسیاری و طارقه ابتلا و طرق چگونگی و حفاظت بتدریج بحث خواهیم نمود.

### نطق چرچیل

چرچیل نخست وزیر انگلستان درباره انجمن گریبه نطنی ایراد نموده گفت : نخستین اصل سیاست بریتانیا در اروپای باختری متوجه این حسنی است که یکدولت فرانسه نیرومند با ارتشی قوی در اروپای - باختری وجود داشته باشد .

نخست وزیر انگلستان یادآوری کرد که در هر حال فرانسه عضو شورای اروپا که وظایف بسیار مهمی بعهده دارد میباید وضوحنا اظهار داشت که شرایط تسلیم آلمان با حضور فرانسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت . کلبه اقداماتی که باید درباره آلمان بعمل آید قبلا در این شورای مهم پیش بینی و تهیه گردیده بطوریکه هر آینه فردا دولت آلمان دردم شکسته خود ما بامتکلی مواجه خواهیم شد .

چرچیل در مورد لیبستان اظهار داشت که روسها در انجمن تهران پیشنهاد کرده بودند که حدود مرزی تقریبا از خط کرزن زمین کرده من مقهور زور نیشوم ولی بقیه من این تقسیم که از طرف هوات انگلیس در یک دورهای که روسها ضعیف بودند و بهیچ وجه تصور طرف داری از آنها نبرفت پیشنهاد شده برخلاف حق و عدالت بوده است این خط مرزی مسلما مستلزم انضمام لوف بدولت اتحاد جماهیر شوروی میگردد ولی در عوض پروس غاوری در غاور گوئی کبیرک و دانتریکه و سایرلی هلیا و برنی قاط دیگر از خاک آلمان باستان واگذار خواهد گردید و این مسئله هم متوسط بصل دزلت چند اهلستانی که تشکیل خواهد یافت میباشد ما همانا دولت لیبستانی مقبلننن را برسیست میشناسیم .

دولت اتحاد جماهیر شوروی قولهای فوق العاده رسمی داده که استقلال و حق حاکمیت لیبستان کاملا محفوظ و محترم خواهد

### اخبار جهان

#### قتل نخست وزیر مصر

دکتر احمد ماهرها نخست وزیر مصر هنگامیکه از مجلس نمایندگان به مجلس سنا میرفته بشرب گلرزه کشته شد .

موتدیکه احمد ماهر پاشا از جلسه مجلس خارج شده و از یکی از اهلانهای وزارت مجلس عبور مینمود عکاسان روز

بود و اکنون دولت انگلیس و امریکا هم یضین وی را تایید کرده اند در این خصوص هم سازمان بین المللی در موضع خود مسئولیت کاملی بعهده خواهد گراحت .

چرچیل قبل از تعطیل جلسه صحابه مجلس چنین اظهار داشت : من از انجمن گریبه و از کلیه ملانانهای دیگر خودمان چنین احساس کرده ام که مارشال استالین و دیگر زمامداران شوروی مایل هستند که در محیط دوستی و مساوات هرافتنه انه با دولت های دموکراسی باختری همکاری نمایند نیز احساس میکنم که همه آنها پاتنه قول خود هستند هیچ دولتی مانند دولت شوروی روسیه تمهات خود را ولو اینکه مخالف صلاح و صرفه وی باشد به درستی انجام میدهد .

ما بر آیم که دولت مصر بااعلان جنگ با آلمان و از این اقدام مافلانهای نمود . ما در این خصوص هیچ فشاری بر دولت مصر وارد نساختیم مصر یکی از دولت های متفق است و برای این باید در میان سازمان بین المللی آینه به منزله یکی از پایبان سازمان صلح حرکت کند ماهمچنین بسی خرسندیم که ترکیه را در صفوف منتقین یدیدیم .

اگرچه ما هنوز نتوانستیم مسائل مربوط به دیپلای حرب و بهبودیان فلسطین را حل کنیم با اینهمه امیدواریم که معنی پایبان جنگ میتوان برای تامین صلح و پیشرفت ملت های عرب و بطور کلی ساکنین خاور میانه تربیهای مقتضی داد .

من باید بگویم که موفقیت دولت انگلیس نسبت بسوریه و لبنان از لحاظ مناسبات آنها با متفق ما فرانسه تنگی بر قرارداد ۱۹۴۱ مربوط بنامین استقلال سوریه و لبنان است .

چرچیل در پایان سخنان خود گفت مراد کشورهای بزرگ خدمت و نه رهبری است ما بیک سایر ملت های بزرگ و کوچک میتوانیم با ایجاد به سازمان بین المللی بزرگی نائل گردیم که برای نگاهداری صلح کله ملت های بزرگ و کوچک نیروی مسلح کافی در اختیار داشته و بتواند آنها را بر علیه تجاوز یا اجتماع وسائل تجاوز حساب کند ، آینه امروز اواخر روز بسی در غشده تر و روشن تر است بنابر این باهم پیش .

نامه ما چلو اورا گرفتن و تقاضای برداشتن هکس از او نمودند . عده ای از جوانانهم در اطراف او ایستاده بودند که قاتل محمود صاوری که شغلش وکالت عدلیه بوده از پشت سر این جوان ها گلوله بطرف دکتر احمد ماهر پاشا خالی کرد و فوراً نخست وزیر مصر بزمین افتاد . آینه نواست از زمین برخیزد ولی بعد خون زیادی از او رخت و دومرتبه بزمین افتاد و جان سپرد .

قاتل مزبور از حال معور است و زمان کابینه نطنس پاشا از جمله بازداشت هدهگان بوده و در کابینه نخست وزیر قتیبه آزاد شده است .

احمد ماهر پاشا در تابستان سال گذشته بنخست وزیری مصر انتخاب شد و جریبان انتخاب او هم طرز خاصی داشت بنسی مرفیقیکه نطنس پاشا نخست وزیر وقت به اسکندریه رفته بود که بانایندگان مالک عربی جامع بان اتحاد حرب مذاکره کند بنته ملک فاروق پادشاه مصر عزل اورا اعلام واحد ماهر پاشا را بجای او بنخست وزیری برگزید .

هیت وزیران مصر پس از کشته شدن دکتر احمد ماهر پاشا تصویب نامه ای صادر نمود که بموجب آن سالیانه ۱۵۰۰ لیره انگلیسی بزرجه نخست وزیر قتیبه داده خواهد شد و نیز بیست هزار لیره انگلیسی برای دختر مرحوم احمد ماهر پاشا حقوق معین شده است .

### اعلان جنگ

وزیر امور خارجه ترکیه در مجلس کبیر نطنی ایراد کرد و گفت : سفیر کبیر بریتانیا بیامی از طرف دولت خویش من داد و فرات بیام تا کبیر کرد که سران سه دولت متفق در شبه جزیره گریبه گرد آمدند در این پیام اشعار شده بود که تهادت دولت های در اجمن حاضر انسید گروا اجیشای آینه رکت خواهند داشت که تا آغاز ماه مارس ۱۹۴۵ بدولت آلمان اعلان جنگ بدهند .

وزیر امور خارجه در پایان نطق خود اظهار داشت که دولت ترکیه بسفرای کبار انگلیس و آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی اطلاع داده است که پیشنهاد دولت ترکیه دایر بر اعلان جنگ به آلمان و از این از اول مارس برای تصویب مجلس کبیر تقدیم میگردد .

مجلس کبیر ترکیه به اتفاق آراء تصویب نمود که اعلان جنگ از روز اول مارس ۱۹۴۵ اجرا گردد .

روز دوشنبه هله گذشت اعلان جنگ بآلمان و از این در مجلس شورای ملی و سنای مصر بتصویب رسید .

دولت سوریه و عربستان سعودی هم اعلان جنگ دادند ولی شهرهای مکه و مدینه بلا دفاع و بطرف اعلام گردید

رادپو تهران خبر داد که تلانه یز بآلمان اعلان جنگ داد .

### آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۲۲۳/۱۲/۱۲ آقای محمود بیک بشناسنامه شماره ۲۰۷۸۲ طبق قاضانامه شماره ۲۰۴۷ مورخ ۱۲۲۳/۱۲/۲۵ باشنامه بیک براهینامه و رونوخت شناسنامه تقاضای گواهینامه حضور وراثت نموده بدین توضیح که مرحوم حاجی میرزا احمد بیک (زائر دارنده شناسنامه شماره ۲۰۷۸۸ در تاریخ ۱۳۲۳/۱۰/۱۱) در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافته و متقاضی پرسرو بانوان غایبه بیک (زائر بشناسنامه شماره ۲۰۷۹۴ و نصرت بیک (زائر بشناسنامه شماره ۲۰۷۹۰ و زهرا بشناسنامه شماره ۶۹۵۱ دختران متوفی و وراثت منحصرا میباشد . پس از شنیدن گواهی گواهن مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روز نامه کشور هاشماهی و یکی از روز نامه های مرکز آگهی میشود . با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در بومن مترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و لبر اگر کسی وصیه نامه او متوفی دارد در مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

### پلی کلینیک تهران

دارای بخش های مختلف پزشکی است

آدرس خیابان سوم اسفند

# کوهستان

بلم آقای عبدالحمید اردلان  
وکیل دادگستری

## سلام بکوستان کردستان

ویژه ایرانیان بود جای خود را به دوروی  
و دهخنی داده ، همه به خواه هد بگیریم و  
ناموس یکه بگر را برای سوه الله بر  
باد میدهیم - پس اینکه روز مبارزه و جنگ  
باین خرابکارهاست .

امروز روز پاسپردی و جابه‌جایی  
است و باین بدانه که بهتر و مناسب تر از  
امروز روزی نخواهد آمد که ما ایرانیان  
بتوانیم بیاری هم بر عزیزیم و عادات ناپسند  
و دوروی و نفاق را از میان خود بیرون  
کنیم و همان توانایی و نیرومنده یاستانی  
را که اردست داده ایم بازستانیم .

سلام ای کوهستانی که آفرینش زیبا  
تو دیده بینندگان را خیره میکند - سلام  
ای مهد فرزندان دلاور مبین و نژاد پر  
گزیده ایران همان فرزندان که در راه  
سر بلندی نام ایران در هوازه جان گرامی  
نهاده در کف دستند ، اگر کچنه هم  
از مهر مادر وطن معروف مانده نم معور  
ذیرا این بر مهربی زاده پنداره‌های پلیدی  
بود که با وزیدن نسیم آزادی از این یوم  
و بر رخ بر بست و اکنون هنگام آست که  
دو باره دست برادری بسوی تو دراز  
کنیم و تریایی مام بینم فرا خواهیم .

ماهر گراز - تایش تولد فروسی بنده  
ذیرا سزاوار ستایشی - ربه‌ها که تو در راه  
بغای نام ایران دیده و کشیده ات نه چنان  
است که فراموش شدنی باشی - خاطر  
فرزندان رشید و دلاور تو که بدریغ سینه  
خود را آماج خندک دشمنان ساخته اند  
بجنگاه از خاطرها ، جویند - همیشه  
نام تو با نغز یاد میشود .

آن روزها که سرزمین ایران در زیر  
نگه اهریمن استبداد پایمال میشد نخستین  
و سرمه آزادی خواهی از گوی در هم فشرده  
انجای تو بر میخواست و بسیاری از آزاد  
مر - ان توجسلی خود را قربانی این راه  
ساختند .

هان ای فرزندان کردستان ، اینکه  
ایران دیگر یار یازمندند تداوری و از ان  
گذشتگی است .

بر خیزید و سستی و کاهلی رومدارید  
برای مبارزه بزرگتری آماده شوید - آوری  
مبارزه بانادانی و قساد که اکنون در عروق  
یا کپزه ایرانیان زیشه دوا بده و آنان را  
به برنگاه ترسناک یستی زود بکه میسازد .  
آن پندار و گفتار و کردار تپکی که  
دستور زندگانی نیاکان ما بوده از همان  
مناخت بر بست و در جای آن اندیشه‌های  
ناباک و دروشگرومی و زشت کرداری نشسته  
است و ما را دچار روزهای تاریکی کرده  
که تاکنون مانند آن براتو تاریخ نداده  
است .

روح بیگاسکی بر برادری ، که از صفات

## در مجلس شورای ملی

بیه از صفحه ۱

چون اینگونه عملیات موجب سوه  
ظن حساسه شمالی ما میشود ما باید از این  
قبل عملیات خلاف معلولت پر عزیز کنیم و حساسه  
خود را بدین لکتیم و اگر میلکت احتیاج  
ببیز دارد باید لیری میلکت سر باورسی  
یا شده متا بر آن آیه یک مینخواست ، ماسر بازی  
خود بایستیم باینه تصدیق کنند که این قبیل  
عملیات بر خلاف این نظراست .

\*\*\*

آقای اسان ساینده کرمانشاه جریان  
سوه تصد ساز قین را که در یک کیلومتری  
چشمه سفید نسبت برؤساء ادارات کرمانشاه  
بسل آمده بود با اطلاع مجلس وساینده  
اضافه کردند که آقای دکتر سمندی هم  
مجسروح و در سیارستان امریکائی تحت  
تعالجه فرا گرفته است .

\*\*\*

در جلسه روز پنج غنبه آقای نصرت  
رذیر فرمان سبایولی را مشمر بر اعلام جنگ  
بین دولت ایران و ژاپون در مجلس قرائت  
کرده سپس تاملهای زای اعتقاد نودند .  
مجلس با کثرت ۹۱ رای اعلان جنگ  
بژاپ را تصویب کرد  
در همین جلسه لایحه سازمان اقتصادی  
از طرف دولت مجلس تصویب گشت .

\*\*\*

در جلسه دبروزهم لایحه بود ۱۳۲۴  
بمجلس تقدیم شد

پایانه کشاورزی

تلفن ۶۷۸۷

## مطلب ساکن مستدج

... (مضای نامه مصلی است که بجلس شورای ملی  
و نصرت وزیر ، وزیر دادگستری ، دادستان دیوان کیفر ، ستاد  
آرتش ، نمایندگان کردستان و چند روز نامه تهران نوشته شده و  
یک روز و شش هم بدفترنامه کوهستان رسیده است .

«مطلب ساکن مستدج» در نامه خود چنین نگاشته که شمس جلالی  
کلا بردار معروف در هنگامی که از طرف مقامات دولتی تعقیب  
و جستجو میشد در خانه یکی از دوستانش در مستدج یعنی همان  
دوستی که هنگام مسافرت به تهران در منزل او اقامت داشت مدتی  
خود را مخفی کرده بود . سپس به راهی دو نفر را سر بوسیله اتومبیل  
وانی (۴-۵) انگارانه سیم اتومبیل و شماره آن و تاریخ حرکت  
از مستدج را هم نوشته بود) او را فرار میدهند .

اگرچه این نامه «مطلب ساکن مستدج» در دفتر روزنامه  
موجود است ولی چون اطمینان داشت ممکن بود بر فرزند برای وی مانده  
بودن حمل شود لذا این آرا درج نکرده ایم .

اگر «مطلب ساکن مستدج» حقیقتاً همانطوریکه نوشته اند  
اسناد و مدارکی دارند ممکن است برای ما بفرستند و با اگر مطالبی  
دارند بیان بکنند . مشروط بر اینکه خود را ساهم نمی نمایند  
«مطلب ساکن مستدج» میتواند اطمینان داشته باشد که نامش افشا  
نخواهد شد و مطالبش هم درج خواهد گشت .

علاوه بر آن «مطلب ساکن مستدج» اطلاعات دیگری  
وسیده که میگویند ممکن است شمس جلالی از خط مرزبان بدستبازی  
محدودگانی سنانی که در امر قاچاق تخصص کاملی دارد فرار کرده  
باشد حتی هدای یقینیایی های بیجهت فرمانده لشکر کردستان را  
اینگونه روابط نزدیک میداند .

ما در این موضوع فعلا اظهار نظر نمیکنیم و منتظریم اطلاعات  
کاملی بدست آوریم .

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

دکتر اسمعیل اردلان

هاتف دفتر ۰۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسرف نشود و اداره روزنامه در هر ج

با حکم و اصلاح آنها آزاد است

محل اداره : خیابان بهلوی کاشی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی با تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ میباشد